حقیقت از زیر آوار

مراسم رونمایی کتاب **شاهدی از جهنم نسل‌کشی** به ترجمه جمیله کدیور و سید عطاءالله مهاجرانی برگزار شد

عکس: حسین نقی‌زاده/ ایران

کلمات وسیم سعید در «شاهدی از جهنم نسل‌کشی» بوی باروت می‌دهند و رنگ خون دارند؛ او نه یک رمان‌نویس حرفه‌ای، که جوانی از اهالی غزه است که قلم به دست می‌گیرد تا نگذارد حقیقت در هیاهوی پنهان‌کاری رسانه‌های غربی دفن شود. در آیین رونمایی از کتاب «شاهدی از جهنم نسل‌کشی»، به ترجمه مشترک جمیله کدیور و سیدعطاءالله مهاجرانی که عصر دوشنبه به میزبانی پایگاه خبری حرفی‌نو برگزار شد، کدیور، ماشاالله شمس‌الواعظین، اکبر نبوی و محمود جوانبخت گرد هم آمدند تا از این روایت بی‌روتوش و تکان‌دهنده سخن بگویند؛ اثری که به تعبیر حاضران، مانند باز کردن یک سنگ قبر و شنیدن صدای جانباختگان غزه از زیر آوار است. در این نشست، فراتر از نقد ساختار مستند کتاب، دکترین نظامی و توسعه‌طلبی بی‌مرز صهیونیست‌ها تحلیل شده است.

گزارش

مریم شهبازی
گروه کتاب

محمود جوانبخت، نویسنده و مستندساز که آثار متعددی درباره مقاومت از او منتشر شده، به عنوان مجری-کارشناس اداره این مراسم را به عهده داشت، او با ارائه توضیحات مختصری درباره نوشته وسیم سعید که با ترجمه مشترک جمیله کدیور و سید عطاءالله مهاجرانی، از سوی انتشارات امید ایرانیان منتشر شده است، معرفی بیشتر کتاب را به سخنرانان حاضر سپرد. برنامه با پخش پیام اختصاصی وسیم سعید، برای جلسه معرفی و نقد کتاب «شاهدی از جهنم نسل‌کشی» در قالب کلیپی کوتاه آغاز شد؛ فیلمی که همراه با پخش پیام صوتی نویسنده فلسطینی کتاب، بخش‌هایی از جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم بی‌دفاع غزه را به تصویر می‌کشید.

بوی خون و باروت

بعد از آن **جمیله کدیور**، نویسنده، نماینده اسبق مجلس شورای اسلامی و پژوهشگری که بخش عمده‌ای از مطالعاتش در دهه‌های گذشته بر مسأله فلسطین و جنایات رژیم صهیونیستی متمرکز شده، در معرفی کتاب «شاهدی از جهنم نسل‌کشی» گفت: «به گمانم عنوان کتاب، به تنهایی بیان‌کننده محتوای آن است. این کتاب مختصر اما پرعمق یکی از مهم‌ترین مستندات جنگ غزه است، البته یکی-دو کتاب مرتبط دیگر هم هستند که نهایتاً ۸۵ روز اول این جنگ را روایت کرده‌اند. «شاهدی از جهنم نسل‌کشی» تقریباً یک‌سال و هفت‌ماه از جنگ غزه را پوشش می‌دهد و مخاطب با کتابی کاملاً عینی روبه‌رو می‌شود. کتاب را که بخوانید، خود را در دل نوارغزه احساس می‌کنید. کلمات وسیم سعید رنگ خون دارند، بوی سرب و باروت می‌دهند. او کتاب را در زمان جنگ، زیر بمباران و حملات موشکی نوشته و همین است که مطالعه‌اش شما را دچار هراس می‌کند. موقع خواندن کتاب یک‌دفعه به خودتان می‌آیید و می‌بینید که اشک پهنای صورت‌تان را پوشانده است، چرا؟ به این خاطر که روایت‌هایی زنده را پیش روی‌تان گذاشته است.»

> **کدیور: کتاب «شاهدی از جهنم نسل‌کشی» تقریباً یک‌سال و هفت‌ماه از جنگ غزه را پوشش می‌دهد و مخاطب با کتابی کاملاً عینی روبه‌رو می‌شود. کتاب را که بخوانید، خود را در دل نوارغزه احساس می‌کنید. کلمات وسیم سعید رنگ خون دارند، بوی سرب و باروت می‌دهند**

کدیور نوشته وسیم سعید را روایت دردناکی از حذف‌شدگی یک ملت از جغرافیا و زمان و مکان خواند؛ شهری که ساکنان آن از سال ۲۰۰۷ تحت محاصره‌ای همه‌جانبه، از زمینی و

هوایی گرفته تا محاصره دریایی قرار گرفته‌اند و طی سال‌ها جنگ‌های متعددی از سوی صهیونیست‌ها به آنان تحمیل شده است و رهبران بسیاری از نهضت مقاومت‌شان نیز ترور شده‌اند. زندگی نویسنده کتاب در چنین وضعیتی سپری شده، از سال‌های کودکی‌اش تا اکنون که به دوران جوانی رسیده است. مترجم کتاب «شاهدی از جهنم نسل‌کشی» درباره نکاتی که آنها را می‌توان وجه تمایز این اثر در مقایسه با کتاب‌های مشابه دانست، افزود: «وسیم سعید جنگ‌های متعددی را پشت سر گذاشته و با آنها زندگی کرده، این کتاب بیانگر جنایات مختلف صهیونیست‌ها و فریبکاری دولت‌های غربی است. به قول نویسنده، آنان بمب‌های لعنتی‌شان را با کشورهایی که خود را مدعی دموکراسی و حقوق بشر می‌دانند بر سرمان می‌ریزند. او در جای‌جای کتاب از سکوت کشورهای غربی انتقاد کرده، همین‌طور از دروغ رسانه‌ها و بی‌توجهی‌شان به غزه. وسیم سعید از باندهای مسلحی نوشته که در غزه، تحت حمایت صهیونیست‌ها، جان مردمی را نشانه می‌گیرند که به دنبال غذا و آرد می‌دوند.»

بنابر گفته کدیور، «شاهدی از جهنم نسل‌کشی» اولین نوشته وسیم سعید است که آن را در پاسخ به کمپینی می‌نویسد که شهید رفعت، استاد زبان و ادبیات فلسطینی، به راه می‌اندازد تا جوانان غزه قلم را همچون سلاح به دست بگیرند و از جنگ و تجربیات خود بنویسند، اقدامی که خود نوعی مقاومت است و می‌تواند حقیقت را به گوش همگان برساند. مترجم کتاب ادامه داد: «شاید تجربه وسیم سعید را از جهاتی بتوان شبیه داستایفسکی دانست، اگر او در سیبری حبس نمی‌شد و آن تجربیات را پشت سر نمی‌گذاشت شاید هرگز قادر به خلق چنان آثار فاخری نمی‌شد. درباره همینگوی نیز همین‌طور است، اگر خبرنگار نبود و در جنگ اسپانیا شرکت نمی‌کرد، کتاب «زنگ‌ها برای که به صدا درمی‌آیند» را نمی‌نوشت. کتاب وسیم سعید نیز به دلیل همین تجربیات است که باورپذیر شده، او وقایعی را نوشته که آنها را زندگی کرده است. با این حال اگر ترجمه فارسی کتاب پیش از جنگ ۱۲روزه و بعدتر در جنگ رمضان منتشر می‌شد، درک آنچه نویسنده شرح داده برای خواننده ایرانی دشوار بود و شاید مضمون کتاب اغراق‌آمیز به نظر می‌آمد. اما ما ایرانیان نیز در دو جنگ اخیر تجربه حمله به اماکن غیرنظامی، بیمارستان‌ها و حتی مدارس‌مان را داشتیم و حالا می‌دانیم که این حملات در ادامه خط سیر ثابت رژیم صهیونیستی برای از میان بردن مجموعه به‌هم پیوسته مقاومت به شمار می‌آید. خاطرات نویسنده از شامگاه هفتم اکتبر شروع می‌شود، از آغاز آوارگی وسیم به همراه خانواده پدری‌اش که ۳۶ نفر هستند و در تلاش برای پیدا کردن محلی امن‌تر.»

آن‌طور که مترجم کتاب شرح می‌دهد، وسیم سعید در روایت خود از مصایب زندگی در آوارگی و زیربمباران صهیونیست‌ها نوشته، از اجبار به نقل‌مکان کردن‌هایی که در هرجابه‌جایی، دست‌وپا یا پیکری جا می‌ماند؛ از صف‌های عریض و طویل دو هزار نفره برای دسترسی به یک سرویس بهداشتی نوشته و اجبار به مدیریت اندک گازوئیل یا آردی که با مشقت و به بهای جان افراد به دست می‌آمد. وسیم شاهدی از جهنمی است که به گفته جمیله کدیور، گوشه‌ای از آن را طی دو جنگ گذشته تجربه کردیم. او ادامه داد: «با همه سختی‌هایی که وسیم سعید تجربه کرده، متوجه می‌شود مشکلات مردم غزه بسیار فراتر از آن چیزی هستند که او و خانواده‌اش تجربه کرده‌اند. بنابراین بخشی از کتاب به روایت و گواهی دیگر شاهدان اختصاص یافته است. او به روایت‌های افراد دیگری اشاره می‌کند که هریک گوشه‌ای از جنایات و فجایعی را که بر مردم غزه گذشته شرح می‌دهند. یکی از راویان وقتی از قصد وسیم سعید برای نگارش این کتاب مطلع می‌شود به او تلنگر می‌زند که وقتی خون جوانان ما، وجدان مردم جهان را به حرکت واداشته، گمان می‌کنی نوشته‌ات بتواند دنیا را به حرکت درآورد و تأثیری بر آنان داشته باشد؟ و همین است که در بخشی از مقدمه کتاب، نویسنده تأکید کرده که من این کتاب را ننوشتم تا تو را به گریه بیندازم و به من بگویی ای بیچاره! من این کتاب را نوشتم تا کلمات دینی برگردن تو باشند، تو را مسئول آنچه دیده‌ام کنم، تا بدانی این کتاب یک اثر ادبی نیست، گواهی کسی است که زیر آتش ایستاده، در زمانه‌ای که در صفحات نمایش تلویزیون‌ها خبری از حقیقت نیست.

این کتاب روایت زخمی است که نمی‌خواهد دهان ببندد تا صدایش زنده بماند. من به دنبال همدردی نیستم، به دنبال وجدانی هستم که هنوز متعفن نشده، به دنبال انسانی هستم که هنوز به سنگ تبدیل نشده است... نوشتم تا این کشتار فراموش نشود. و در آخر هم توصیه کرده، این کتاب را مانند کسی که رمان می‌خواند، نخوان، بلکه مانند کسی بخوان که سنگ قبری را می‌گشاید و به صدایی از زیر آوار گوش می‌سپارد که به او می‌گوید: «من اینجا بودم...»

هنر نویسندگی وسیم

ماشاالله شمس‌الواعظین، چهره پیشکسوت روزنامه‌نگاری که به عنوان مشاور مرکز مطالعات راهبردی غرب آسیا در تهران هم فعالیت کرده است سخنرانی خود را این‌گونه آغاز کرد: «شاهدی از جهنم نسل‌کشی، کتاب

خلاصه‌ای است. معمولاً کتاب‌هایی از این قبیل که در قالب رمان، داستان و گزارش‌های میدانی کار می‌شوند، ارزش افزوده‌ای به نام توصیف فضای یک سوژه دارند. در این شرایط نویسنده باید چیزی را در ذهن خود مجسم کند و بعد آن را به شکل فرآورده‌های توصیفی روی صفحات کتاب بیاورد. اما درباره شرایطی که وسیم سعید تجربه کرده، سؤال اینجاست که او باید چه چیزی را فراتر از هرآنچه تجربه کرده در ذهن خود بپروراند و روی کاغذ بیاورد؟ وسیم فقط وقایع را نوشته که لمس کرده و سراغ توصیف‌هایی که نویسندگان از آنها بهره می‌برند، نرفته است. به گمانم این هنری است که شرایط به سبک نویسندگی‌اش تحمیل کرده است. کتاب را که می‌خواندم مدام با این سؤال روبه‌رو می‌شدم، اگر وسیم قرار بود خارج از آنچه را تجربه کرده در ذهنش تصویرسازی کند آیا قادر بود چیزی بدتر از تجربیات خود را بنویسد؟»

شمس الواعظین در بخشی از سخنان خود تأکید کرد، وقایعی که وسیم سعید در کتاب خود با مخاطبان به اشتراک گذاشته، تنها گوشه‌ای از تجربیات مردم غزه است و همچنان باید کتاب‌های بسیاری در این‌باره نوشته شود. این پیشکسوت روزنامه‌نگاری با طرح این سؤال که چرا ماجرای هفتم اکتبر رسانه‌ای شده و افکار عمومی و رسانه‌های جهان به حملات قبلی صهیونیست‌ها واکنشی نشان ندادند، گفت: «حمله هفتم اکتبر وجدان جهانی را به لرزه درآورد، رسانه‌هایی که طی چند سال اخیر به جنایات صهیونیست‌ها واکنش نشان داده‌اند، پیش‌تر سکوت پیشه کرده بودند. سرعت انتقال اخبار و ثبت وقایع در لحظه، سبب اثرگذاری بر افکار عمومی جهان شده است. این درحالی است که رهبران صهیونیست‌ها تصور می‌کردند همچون دهه‌های گذشته هیچ واکنشی به جنایات آنان نشان داده نمی‌شود. اما شرایط تغییر کرد، وجدان بشری واکنش نشان داد و در چند سال اخیر شاهد برپایی تظاهرات مختلفی در شهرهایی چون لندن بودیم. در نتیجه همین واکنش‌ها، بحث‌های تازه‌ای در غرب شکل گرفته است؛ کار به جایی رسیده که حتی ترامپ هم در سخنانی بی‌سابقه و به شکلی عریان از صهیونیست‌ها انتقاد می‌کند و به رهبران آنان می‌تازد که هیچ فکر کرده‌اید چرا دیگر هیچ‌یک از رهبران جهان نمی‌خواهند با شما دیدار کنند؟ هرچند رهبران صهیونیست‌ها برای حفظ ظاهر و اینکه بگویند ما در خانواده بین‌المللی عضویت داریم، سفرهایی ساختگی به کشورهای دیگر ترتیب می‌دهند تا کسی نگوید منزوی شده‌اند... وسیم سعید خیلی واضح در این کتاب نبش قبر کرده و واقعیت را به مخاطب نشان می‌دهد، آن‌هم در شرایطی که جامعه ایران، سواد اندکی نسبت به ماهیت اسرائیل و صهیونیست‌ها دارد.»

به گفته شمس‌الواعظین، اسرائیل در همه جنگ‌های خود استراتژی مشخصی را به کار می‌برد، سیاستی که مبتنی بر وارد کردن یک شوک بزرگ و انجام حملات شدید در زمانی کوتاه، برای پرهیز از جنگ‌های فرسایشی است. او در پاسخ به افرادی که گمان می‌کنند اگر ایران در مواجهه با صهیونیست‌ها، سیاست دیگری در پیش می‌گرفت، دیگر شاهد وقوع جنگ‌های ۱۲روزه و رمضان نبودیم، گفت: «همان‌طور که پیش‌تر در جلسه‌ای خطاب به مدیران دولتی در خیابان پاستور گفتم، اکنون هم می‌گویم که برای صهیونیست‌ها فرقی ندارد، پاستور را روحانیت اداره کند یا تاج‌داران! ایران از نگاه اسرائیل کشور بسیار بزرگی است، به اعتقاد آنان اسرائیل باید بزرگ‌تر شود و ایران هم کوچک‌تر. این دکترین نظامی اسرائیل در مواجهه با قدرت‌های بزرگ منطقه است و برهمان اساس هم دیدیم که با مصر چه کرد! جنگ‌های اخیرش با ایران هم بنابرهمین سیاست بود، ترکیه را هم پیش‌تر تهدید کرده و چه بسا که برای عربستان هم برنامه‌ای داشته باشد. صهیونیست‌ها، قدرت‌های بزرگ منطقه، به‌ویژه ایران را تهدیدی علیه خود می‌دانند. با ایران هم به لحاظ شرایط ژئوپلتیکی آن و هم مسائل عقیدتی مسأله دارند، بنابراین اگر می‌بینید اسرائیل با ما مسأله پیدا کرده، این فقط به دلیل حکومت دینی‌مان نیست. این درست برخلاف آن چیزی است که رسانه‌هایی چون ایران‌اینترنشنال با عوام‌فریبی سعی در القای آن به افکارعمومی‌مان دارند. وضعیت فعلی منطقه، نشأت گرفته از رقابت ژئوپلتیک قدرت‌های بزرگ خاورمیانه و غرب آسیاست. با این حال مقاومت سرسختانه ایران در مواجهه با حملات آمریکا و صهیونیست‌ها، اتفاقی است که از تصور خود من نیز خارج بود. باید تمام قد به احترام نیروهای مسلح کشورمان بایستیم و از آنان تشکر کنیم. آن هم در شرایطی که آمریکا و اسرائیل محال است به جنگی وارد شوند که از پیروزی آن مطمئن نباشند.»

شمس‌الواعظین با آنکه منکر نقش عناصر زمان، جغرافیا و همچنین وسعت ایران در کسب این پیروزی نشد اما بر اهمیت توان موشکی و نظامی جمهوری اسلامی ایران نیز تأکید کرد و آن را عامل مهمی در ایستادگی برای حفظ تمامیت ارضی سرزمین‌مان خواند. او تجربیات دو جنگ اخیر را عاملی مهم برای مطالعه جدی به منظور شناخت همه‌جانبه حریف خواند. این استاد روزنامه‌نگاری درباره سیاست کشورگشایی صهیونیست‌ها ادامه داد: «مرزهای اسرائیل در قانون اساسی آن ثبت نشده، حتی در کتاب‌های درسی آنها چیزی در این رابطه نیامده و بچه‌های آنان نمی‌دانند کشورشان چه وسعتی دارد. وقایع و فجایعی که بر غزه گذشته نیز از چنین سیاستی نشأت گرفته و وسیم با نگارش کتاب خود کار مهمی در به تصویر کشیدن این جنایات انجام داده است. نمی‌دانم، شاید قصد او به لحاظ حرفه‌ای نویسندگی نبوده، او کتابی تراژیک از وقایع غزه نوشته و با معصومیت ویژه‌ای یک گزارش را به روایت تبدیل کرده است. امیدوارم شیوه نگارش آن مورد استفاده دیگر دوستان نویسنده قرار بگیرد.»

کتابی تکان‌دهنده

اکبر نبوی، از دیگر پیشکسوتان روزنامه‌نگاری نیز به عنوان سخنران در این مراسم حضور داشت، او کتاب «شاهدی از جهنم نسل‌کشی» را کتابی تکان‌دهنده درباره جنگ اخیر غزه خواند و گفت: «کتاب بسیار عجیبی است، بعضی بخش‌های آن همچون یک روضه سنگین، نفس خواننده را به شماره می‌اندازد. به نظر من، وسیم سعید حداکثر تلاش خود را به خرج داده تا به جای عاطفه، منطق خواننده را درگیر کند. با وجود این حجم مصیبتی که در کتاب به تصویر می‌کشد در بسیاری از صفحات آنقدر

سنگین است که به سختی هضم می‌شود. آقای شمس‌الواعظین به نکات خوبی درباره سبک نوشتاری وسیم سعید اشاره کردند، من هم اجازه می‌خواهم به موردی اشاره کنم. آن‌طور که در مقدمه کتاب آمده، نویسنده کتاب، دانشجوی فیزیک بوده و منطقاً از او انتظاری برای آشنایی با اصول نویسندگی نمی‌رود. حتی معلوم نیست رمان‌خوان بوده یا نه که بتوان نویسندگی‌اش را مرتبط به آشنایی او با روایت‌پردازی دانست. اینها مجهولاتی است که ذهن من را به عنوان مخاطب کتاب به خود مشغول کرده است. شیوه نوشتاری وسیم سعید به گونه‌ای است که بعد از خواندن هر روایت، بخشی از تصاویر در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد و او را درگیر می‌کند. نمی‌دانم این کار را آگاهانه انجام داده یا ناآگاهانه بوده، اما مطالعه کتاب برای من فرصتی فراهم کرد تا بخشی از وقایعی که بر راویان کتاب گذشته در ذهن و خیال خود زندگی کنم؛ از صحنه‌ای که سگ‌ها به کودک شیرخواره‌ای که مادرش کشته شده حمله می‌کنند تا آوارگی اهالی غزه و تلاشی که به رغم بی‌رحمی‌هایی که متوجه آنان شده برای مراقبت از یکدیگر به خرج می‌دهند.»

او ادامه داد: «نکته دیگری که مرتبط با این کتاب و جنایات صهیونیست‌ها باید به آن اشاره کنم، نسبتی است که اسرائیل با جهان دارد و سؤالی که در این خصوص به ذهن‌مان می‌رسد؛ اینکه آیا اسرائیل را می‌توان از جهان سیاسی، فرهنگی و هنری غرب تفکیک کرد؟ در پاسخ این سؤال بگذارید به کتابی از دکتر محمد رجبی اشاره کنم که سال‌ها قبل، اوایل دهه شصت آن را خواندم؛ کتابی درباره سیر تفکر جدید در غرب. در کتاب به گذشته فرهنگی غربیان اشاره شده و اینکه چطور از خون و خونریزی لذت می‌برند. بارزترین مصداق آن را می‌توان در فیلم گلادیاتور به کارگردانی ریدلی اسکات دید، اینکه سرگرمی‌شان بوده که جمع شوند و جنگ میان دو انسان یا حیوان وحشی را تا پای مرگ‌شان تماشا کنند. تماشای کشتار مردم و لذت بردن از آن همان رفتاری است که امروز از صهیونیست‌ها می‌بینیم. اسرائیلی‌ها از کشتن لذت می‌برند، و این جزئی از ذات صهیونیست‌هاست. و خب باز این سؤال طرح می‌شود که این صهیونیست‌ها هستند که نمایندگی غرب را به عهده دارند یا غرب است که اندیشه آنان را نمایندگی می‌کند؟ در چنین وضعیتی باید دید چه شده که مسئولان غربی و آمریکایی، رهبران اسرائیلی را نقد می‌کنند. شاید بحث بر سر تضاد در منافع باشد. اسرائیلی‌ها خود را صرفاً یک قوم می‌بینند، نه حتی یک مذهب و اندیشه. البته که از مذهب برای تحقق امیال خود بهره ابزاری می‌گیرند. صهیونیست‌ها، از ظلمی می‌گویند که در برخی کشورهای غربی به یهودیان شده، اما باید از آنان بپرسیم که خود شما طی دهه‌ها چه کرده‌اید؟ جنایاتی مرتکب شده‌اید؟ آقای شمس‌الواعظین از این گفتند که تغییر رویه‌ای در اطلاع‌رسانی رسانه‌های جدید شاهد هستیم، این تغییر را شبکه‌های اجتماعی سبب شده‌اند. اگر شبکه‌های اجتماعی نبودند، رسانه‌های جهان، در مواجهه با ماجرای هفتم اکتبر نیز سکوت پیشه می‌کردند و حقیقت دفن می‌شد.»

جوانبخت در ادامه مراسم رونمایی کتاب وسیم سعید، از جمیله کدیور به عنوان فعال روابط بین‌الملل این سؤال را پرسید که امکان جلوگیری از تقابل میان اسرائیل و ایران وجود داشت یا بنابر مسائلی که در گفته‌های سخنرانان به بخشی از آنها اشاره شد، وقوع این درگیری‌ها گریزناپذیر بوده است؟ کدیور در این‌باره گفت: «صهیونیست‌ها از مدت‌ها قبل، برنامه‌های خود را علنی کرده و از مواضع خود نسبت به غزه، لبنان و ایران سخن گفته بودند، آنان ایران را مانعی بزرگ در تحقق اهداف خود می‌دانند. سال گذشته نتانیاهو، آشکارا گفت که به دنبال اسرائیل بزرگ است. برهمین اساس تا به امروز، یک پنجم لبنان و بخش‌های زیادی از سوریه را اشغال کرده‌اند، حدود شصت درصد از غزه را هم تصاحب کرده‌اند که درصدد گسترش آن به هفتاد درصد هستند. به عقیده من صهیونیست‌ها از مدت‌ها قبل و به شکلی صبورانه و گام‌به‌گام این سیاست را پیش می‌برند. صهیونیست‌ها همواره به ایران، به عنوان کشوری بزرگ چشم داشته و حتی به ترکیه و شاید به عربستان هم چشم داشته باشند. آنان بارها تأکید کرده‌اند که به دنبال فروپاشی ایران هستند، هرچند ترامپ آن را رد کرده و گفته که دنبال تغییر رژیم نبوده‌اند.»

> **شمس‌الواعظین: رهبران صهیونیست‌ها تصور می‌کردند همچون دهه‌های گذشته هیچ واکنشی به جنایات آنان نشان داده نمی‌شود. اما شرایط تغییر کرد، وجدان بشری واکنش نشان داد و شاهد برپایی تظاهرات مختلفی در شهرهایی چون لندن بودیم. در نتیجه همین واکنش‌ها حتی ترامپ هم از صهیونیست‌ها انتقاد می‌کند**

در ادامه مراسم، سخنرانان بنابر مطالعات خود راهکارهایی برای مواجهه با صهیونیست‌ها و چگونگی محافظت از تمامیت ارضی کشور در برابر زیاده‌خواهی صهیونیست‌ها مطرح کردند؛ شمس‌الواعظین تأکید کرد که به رغم مقاومت ستودنی جمهوری اسلامی ایران در برابر حملات اسرائیل و آمریکا، نیازمند بازنگری در دکترین دفاعی کشور براساس شرایط جدید هستیم و بحث ضرورت تحت فشار قرار دادن صهیونیست‌ها از طریق دیپلماتیک را مطرح کرد. نبوی به دغدغه سی‌واندی ساله خود در حیطه مطالعات استراتژیک اشاره کرد و از ضرورت پیروی از یک استراتژی ملی، در زمینه‌های مختلف فرهنگی، هنری و رسانه‌ای و استفاده از افراد مجرب در مسئولیت‌های مرتبط گفت. او با انتقاد به شیوه‌های مدیریتی در رسانه‌ها، به خصوص رسانه ملی، دراین باره نیز به لزوم بازنگری در سیاست‌گذاری‌ها جهت تولیدات فرهنگی - هنری برای آگاه‌سازی افکار عمومی اشاره کرد. قاسمعلی فراست، نویسنده ادبیات داستانی و مدیر فرهنگی نیز در انتهای برنامه برای سخنرانی دعوت شد، اما به بیان نقل قولی از ویکتور فرانکل (نویسنده کتاب در جست‌وجوی معنا) در خصوص مشاهداتش از اینکه نازی‌ها چطور در زندان‌های خود از تکنولوژی برای شکنجه استفاده می‌کردند پرداخت؛ این استفاده ابزاری از علم برای اقدامات غیرانسانی، فرانکل را برآن می‌دارد که بعد از آزادی، تمام زندگی‌اش را صرف مطالعه آثاری در این زمینه کند.

زخمی فراتر از کلمات

ترجمه پیام اختصاصی وسیم سعید، نویسنده کتاب «شاهدی از جهنم نسل‌کشی»:

از قلب غزه با شما سخن می‌گویم؛ این کتاب، یک شهادت‌نامه کوتاه و موجز است که تنها گوشه‌ای ناچیز از حجم بی‌پایان عذاب‌های بی‌پایانی را که اینجا در آن زندگی می‌کنیم بازگو می‌کند؛ عذاب‌هایی فراتر از تصور عقل‌ها، عذاب‌هایی که زبان‌ها و واژه‌ها از توصیف آن عاجزند.

در ابتدا، مراتب تشکر و قدردانی خالصانه خود را از هرآن کس که در ترجمه، انتشار و رساندن این شهادت‌نامه به زبان فارسی به شما، سهیم بوده است اعلام می‌کنم و در حقیقت من بر این باورم که این کتاب و جنایاتی که در آن مستند شده است، تنها به غزه محدود نمی‌شود؛ بلکه گواهی زنده‌ای است بر جهنم نسل‌کشی که از غزه تا لبنان گسترده شده و در نهایت به شما در ایران می‌رسد. از زمانی که دشمن در جنگ اخیر اقدام به بمباران مدرسه کودکان کرد، یقین راسخ من بیشتر شد که ما با انسان‌ها روبه‌رو نیستیم؛ بلکه با وحشی‌گری به تمام معنای کلمه مواجه هستیم. چرا که یک انسان - هرچقدر هم که میان تو و او دشمنی باشد - به معیارهای انسانی، حقوقی و اخلاقی پایبند است؛ او کودکان و زنان را نمی‌کشد، مدارس و بیمارستان‌ها را بمباران نمی‌کند، شهرها را کامل از روی زمین محو نمی‌سازد، میلیون‌ها انسان را با گرسنگی شکنجه نمی‌دهد و بیشترین درجات سادیسم را علیه آنها به کار نمی‌بندد. یقین من بیشتر شد، کسانی که با ما می‌جنگند و کسانی که برای نابودی ما تلاش می‌کنند، وحوش هستند، نه انسان. در حقیقت، در این پیامم به شما، آمیزه‌ای از خوشحالی و اندوه را احساس می‌کنم. خوشحالم برای این دستاورد مشترک: کتاب من، ترجمه شما از آن و خواندن صفحاتش توسط شما خوانندگان، مظهر آن است؛ و اندوهگینم چرا که همه ما مجبور شدیم در این جهنم زندگی کنیم و در پرداخت این بهای سنگین شریک باشیم. من در دردها و غم‌هایتان با شما شریکم؛ به عنوان یک غزاوی که همچنان هر روز، بلکه هر ثانیه، با فصل‌های این نسل‌کشی و محاصره زندگی می‌کند و پیام و کلامش را به شما می‌رساند؛ ای کسانی که اکنون زخم‌هایتان را مرهم می‌نهید؛ عاجزم از یافتن واژه‌هایی که بیانگر درد ما باشد... عاجزم از یافتن واژه‌هایی که از رنج ما بکاهد... زخم و درد، بزرگ‌تر از تمام کلمات است... اما فراموشی، دردی بزرگ‌تر و بی‌رحمانه‌تر است.